

مانیفست شکست



احمد غلامی

حکمت یعنی آگاهی از محدودیت‌های خود. از این منظر، مردم ایام قدیم بیش از مردم کنونی به محدودیت‌های خود واقف بودند. با علم به این محدودیت‌ها با پرتاب‌شدگی به هستی کنار آمده بودند و نیستی برایشان عدم نبود. مرگ، حیات دوباره در جهانی دیگر بود. آنان به‌ندرت خود را بر لبه مفکاک می‌دیدند. اضطراب پرت‌شدگی به هستی و تیرگی مرگ را باور به حیات اخروی تحمل‌پذیر کرده بود. حکمت یعنی آگاهی از محدودیت‌های خود. از این منظر فلسفه به زندگی روزمره‌شان راه یافته بود. گاه بارقه‌ای از این زندگی حکیمانه در زبان‌شان تجلی پیدا می‌کرد؛ تعبیری مانند «ظاهر و باطن» که امروزه به‌ندرت شنیده می‌شود. مردم برای اینکه نشان بدهند در کردار و گفتار خود صادق هستند، از این تعبیر استفاده می‌کردند. ظاهر و باطن همین است که می‌پیندد. یعنی نیازی به کشف و تفسیر باطن وجود ندارد. عیان‌بودگی درون، راه را بر تجسّس و تفسیر نامصواب می‌بست. یکی‌بودگی ظاهر و باطن به ریا مجال بروز نمی‌داد. حتی کاسبان حبیب خدا بودند و حرف‌شان باورپذیر بود و سودشان در قناعت. هنوز سرمایه‌داری کالبد آدم‌ها را آن‌چنان که باید تسخیر نکرده بود. با اینکه مردم دانشی خرد داشتند اما با حکمت زندگی می‌کردند. زندگی حکیمانه یعنی حضور در خود. آنان هنگام سفر تصمیم‌های مهم و حیاتی نمی‌گرفتند و حتی گاه وصیت می‌کردند. چراکه باور داشتند «المسافر کالمجنون»، یعنی مسافر در خودش حضور ندارد. این حضور مترادف با آرامش بود. حضور و پرتاب‌شدگی به هستی به خواست قدرتی فراتر از آدم‌ها و حوادث زمینی صورت گرفته بود. قادر متعال معنای بودن‌شان بود. حاضر در برابر خالق و مهم‌تر از آن حضور در کالبد خود. هیچ‌کس قادر نیست از کالبد خود بیرون بجهد، اما می‌تواند در کالبدش کم و سرگردان بشود. آدم امروز در کالبدش کم شده است. ما اسیر راه‌ها و پیچ‌های انحرافی شده‌ایم و حضورمان را از دست داده‌ایم و این دستاورد جهان سرمایه‌داری است؛ خصم ما که به آن می‌بالیم و به بندگی‌اش مشتاقانه تن می‌دهیم و در رقابتی نفس‌گیر برده این جهان فریبنده می‌شویم. چنان از سرمایه‌داری و بازار آزاد دفاع می‌کنیم که گویا تنها راه نجات همین است. سرمایه‌داری، ایدئولوژی دنیای مدرن است که با حضور و حکمت همخوانی ندارد؛ چراکه بشر قادر است به هر آنچه اراده و طلب کند، دست یابد. ناکامی در اینجا یک مقصر بیشتر ندارد و آن‌هم آدمی است. از این‌رو است که جهان را از نویسندگان، شاعران، عارفان، شایدان، مهندسان، عالمان، قماربازان، ورزشکاران، پزشکان و... ورشکسته است. ناکامان جهان سرمایه‌داری که نتوانستند از این اسب تیزپای سواری بگریزند. بسیاری هم این اسب تیزپا را رام خود کرده‌اند و اینک از روی هزاران هزار حسد ناکام می‌تانزد. نام بسیاری از این سوارکاران را می‌توان برشمرد، اما هیچ‌کس چهره واقعی این وضعیت را به‌خوبی دونالد ترامپ عیان نکرده است. او هدیه خداوندگار است برای طرفداران وطنی بازار آزاد و سرمایه‌داری؛ کسانی که سال‌ها از بازار آزاد همچون یک مانیفست سخن گفته‌اند و در هیئت اقتصاددان و کارشناس میرز اقتصادی، دهه‌ها دولت‌ها را به مسیر دلخواه هدایت کردند. اینک که این کشتی به گل نشسته است، آنان همچون اپوزیسیون‌های فریخته تذکر می‌دهند که سخنان‌شان به‌خوبی درک و اجرا نشده است. اینان بیش از هرکسی به راه و رسم موفقیت در سرمایه‌داری آشنا هستند. در سرمایه‌داری آن که شکست می‌خورد از بی‌یاقیتی خود است. سرمایه‌داری امروز این باور را تصریح کرده است که آدمی برای نیل به اهداف خود کوچک‌ترین محدودیتی ندارد. این‌ان قادران است به هرچه اراده و تخیل می‌کند، دست یابد. با این نگرش به جهان، آدمی همواره تشنه فراژی از حال و رسیدن به آینده است. در این وضعیت، حکمت از دست می‌رود؛ چراکه خیره‌سری سرمایه‌داری هیچ محدودیتی را بر نمی‌تابد و این‌گونه القا می‌کند که اگر محدودیتی وجود دارد، از ناتوانی آدمی است که برای موفقیت به قدر کفایت تلاش نکرده است. اما آنچه دیگر عیان شده، این است که سیاست‌های نئولیبرال با تقلیل آزادی به آزادی بازار، موجب تضعیف دموکراسی‌ها شده و چه‌بسا معنا و امکان نیل به دموکراسی را دشوارتر کرده است. انسان امروز باید آینده را از دست سرمایه‌داری نجات بدهد تا امکان تصور آینده‌ای متکی به آزادی و عدالت فراهم شود؛ و این مهم هرگز رخ نخواهد داد مگر اینکه به حکمت و حضور بازگردد، به رستخیز معنا. آینده را می‌توان از طریق گذشته نجات داد و نگذاشت انسان عطش خود را با سراب آینده سیراب کند. باید محدودیت‌های انسان را پذیرفت. حکمت یعنی آگاهی از محدودیت خود و حضور در کالبد خود؛ حضوری که سالیان سال است در ما غایب است.

شنبه ۳ مرداد ۱۴۰۵
۱۰ صفر ۱۴۴۸
۲۵ جولای ۲۰۲۶
سال بیست‌ودوم
شماره ۵۴۳۵
۴۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

شرق

روزنامه

در «شرق» امروز می‌خوانید: بیش از ۶۰ هزار سال تداوم حضور انسان در دره خرم‌آباد لرستان • بن‌بست لجستیکی در مرزهای عربستان • پیش‌بینی قیمت طلا تا پایان تابستان

روایت سانسور و مانع‌تراشی؛ وقتی بودجه عمومی، خرج دوقطبی‌سازی می‌شود

صداوسیما با کیست؟

گزارش تشریک را در صفحه ۳ بخوانید



گزارش «شرق» از شناسایی بقایای تازه از پیکر قربانیان مدرسه «شجره طیبه» در گفت‌وگو با تعدادی از خانواده‌ها

تابوت‌های کوچک، سوگ بزرگ

یادداشت

ترک فعل در آینه رسانه ملی

سعید دلفانی

قاضی دیوان عدالت اداری

کمتر نهادی را می‌توان یافت که به اندازه صدا و سیما، همواره در معرض قضاوت افکار عمومی باشد. گاهی انتقادها متوجه نحوه پوشش مذاکرات ایران و آمریکاست؛ گاهی پخش ناقص یا قطعیت سخنان یک مقام رسمی خیرسام می‌شود؛ روزی از بازنمایی یک سویه برخی رویدادها سخن گفته می‌شود و روزی دیگر، برخی مسئولان از سانسور بخشی از اظهاراتشان گلایه می‌کنند. ممکن است درباره هریک از این موارد، روایت‌ها و برداشت‌های متفاوتی وجود داشته باشد و داوری درباره صحت یا سقم هر ادعا نیز بر عهده مراجع صلاحیت‌دار باشد؛ اما تکرار این دست انتقادها، یک پیام روشن دارد: مسئله دیگر صرفاً اختلاف بر سر سؤال خبرسانی یا سلیقه رسانه‌ای نیست؛ موضوع به قلمرو حقوق عمومی وارد شده است؛ جایی که معیار قضاوت، قانون، مسئولیت و پاسخ‌گویی است، نه گرایش‌های سیاسی.

صدا و سیما، برخلاف یک رسانه خصوصی، صرفاً تولیدکننده خبر و برنامه نیست. اصل ۱۷۵ قانون اساسی و ماده ۲ قانون مدیریت خدمات کشوری، این سازمان را در جایگاه یک نهاد در حکم دولتی، عمومی با مأموریتی حاکمیتی قرار داده است. همین ویژگی، مسئولیت آن را نیز متفاوت می‌کند. در حقوق عمومی، هر اندازه اختیارات یک نهاد گسترده‌تر باشد، انتظار قانون از رعایت بی‌طرفی نهادی، پاسخ‌گویی و التزام به مأموریت‌های قانونی نیز بیشتر خواهد بود. انحصار رسانه‌ای، اگر با پاسخ‌گویی و پایبندی به قانون همراه نباشد، از فلسفه‌ای که قانون‌گذار برای آن در نظر گرفته فاصله می‌گیرد.

این نگاه، در ماده ۹ اساسنامه سازمان صدا و سیما نیز به روشنی دیده می‌شود. قانون‌گذار، هدف اصلی

یادداشت

قدرت؛ تنها قانون مستقر در عرصه بین‌المللی



مهدراد احمدی‌شیخانی

نمی‌دانم تاکنون دستگاه ساخت پشمک را دیده‌اید؟ یک ظرف قابلمه‌مانند بزرگ است که یک محور وسط آن است و مقداری شکر بر کف قابلمه می‌ریزند و زمانی‌که دستگاه را روشن می‌کنند، این قابلمه با سرعت بسیار شروع به چرخش می‌کند و اگر یک میله باریک چوبی را به‌گونه‌ای بگیرد که نوک این میله در مرکز قابلمه در حال چرخش، به نزدیکی کف آن برسد، به مرور توده‌ای سبک که از رشته‌های باریک شکر تشکیل شده، گردآردر آن میله باریک چوبی که به دست گرفته‌اید

می‌گیرد: آیا تکلیف قانونی سازمان در ایفای مأموریت آگاهی‌بخشی، آن‌گونه که قانون‌گذار ترسیم کرده، به طور کامل تحقق شده است؟ این پرسش، نه صدور حکم است و نه انتساب تخلف؛ بلکه مطالبه‌ای است که از دل اصل حاکمیت قانون، اصل پاسخ‌گویی و مسئولیت نهادهای عمومی برمی‌آید. اتفاقاً قانون‌گذار نیز نسبت به چنین وضعیتی بی‌تفاوت نبوده است. ماده ۳۰ اساسنامه سازمان صدا و سیما که بعداً به اساسنامه الحاق شد، تحریف اظهارات، انتشار مطالب خلاف واقع و حق اعتراض اشخاص را به رسمیت شناخته و برای آن، سازوکار مشخصی پیش‌بینی کرده است. اهمیت این ماده تنها در پیش‌بینی حق پاسخ نیست؛ اهمیت اصلی آن در این است که قانون‌گذار، تحریف و بازنمایی خلاف واقع را امری دانسته که می‌تواند حقوق اشخاص و اعتماد عمومی را مخدوش کند؛ بنابراین امانت در روایت، از منظر قانون، صرفاً یک فضیلت حرفه‌ای نیست؛ یک تکلیف قانونی است.

اما هیچ تکلیف قانونی، بدون نظارت مؤثر، ضمانت تحقق نخواهد داشت. به همین دلیل، قانون‌گذار در کنار تعیین مأموریت برای رسانه ملی، سازوکار نظارت را نیز پیش‌بینی کرده است. فلسفه وجودی شورای نظارت بر صدا و سیما صرف دریافت گزارش یا اطلاع از عملکرد سازمان نیست. در منطق حقوق عمومی، نظارت زمانی معنا پیدا می‌کند که بتواند از تکرار خطا پیشگیری کند، انصراف از مأموریت‌های قانونی را به موقع تشخیص دهد و زمینه اصلاح رویه را فراهم سازد. نظارتی که تنها به ثبت وقایع گذشته محدود شود، کارکردی بایگانی‌گونه خواهد داشت؛ اما نظارتی که بتواند بر

رفتار آینده اثر بگذارد، به فلسفه وجودی خود نزدیک می‌شود. از همین منظر، تکرار انتقادهای مشابه درباره پخش ناقص، قطعیت، سانسور یا بازنمایی گزینشی اخبار، فارغ از اینکه در هر مورد حق یا کدام طرف باشد، خود یک زنگ هشدار برای نظام نظارت است. مسئله این نیست که شورای نظارت جای مراجع دیگر بنشیند یا درباره اختلاف‌های سیاسی داوری کند؛ مسئله آن است که هرچه فاصله میان مأموریت قانونی رسانه و برداشت افکار عمومی بیشتر شود، انتظار از نقش اصلاحی نهاد ناظر نیز افزایش می‌یابد. فلسفه نظارت، واکنش پس از بحران نیست؛ پیشگیری از تبدیل‌شدن خطاهای تکرار‌شونده به رویه‌های عادی است. اگر آثار این نقش اصلاحی برای جامعه محسوس‌تر باشد، هم اعتبار رسانه ملی تقویت می‌شود و هم اعتماد عمومی به سازوکارهای نظارتی افزایش می‌یابد.

در نهایت، مسئله فقط یک خبر، یک برنامه یا یک موضوع سیاسی خاص نیست. مسئله، پایبندی به قانونی است که هم برای رسانه ملی مأموریت تعیین کرده، هم حدود مسئولیت آن را مشخص ساخته و هم برای صیات از این مأموریت، سازوکار نظارتی پیش‌بینی کرده است. رسانه‌ای که قانون آن را «دانشگاه عمومی» می‌نامد، باید بیش از هر نهاد دیگری به امانت در روایت، صداقت در اطلاع‌رسانی و حق مردم بر دسترسی به تصویری کامل از واقعیت پایبند باشد. اعتماد عمومی، با روایت ناقص ساخته نمی‌شود؛ اعتماد، محصول اجرای دقیق قانون است. و هیچ سرمایه‌ای برای یک رسانه عمومی، ارزشمندتر از اعتمادی نیست که تنها در سایه پایبندی به همین قانون به دست می‌آید.

روایت احمد غلامی از گفت‌وگو با لیلی گلستان

روزگار غریبی است لیلی



برگزیده‌ها

نخستین حضور علی‌الزیدی در تهران آزمون دیپلماسی بغداد در میانه بحران منطقه‌ای **الزیدی و مأموریت دشوار توازن** جدیدترین ارزیابی بانک انگلستان از پاسخ شرکت‌ها به شوک تنگه هرمز منتشر شد؛

صنایع جهان در محاصه جنگ

گزارش «شرق» از یک دهه کشمکش بر سر انحصار در اکوسیستم استارت‌آپی ایران

اقتصاد دیجیتال در تله انحصار

نگاهی به گیشه سینماهای کشور زیر سایه جام جهانی و اخبار ملتهب سیاسی

سینما میان بحران و امید

گزارش «شرق» از نشست وزیران امور خارجه سازمان همکاری شانگهای

ایران، جنگ و آزمون چندجانبه‌گرایی

یادداشت

فاصله‌ای که امنیت را گران می‌کند



سید فرید موسوی

در جنوب کشور، جنگ برای بسیاری از مردم یک واقعیت روزمره است. صدای انفجار، تهدید امنیت، اختلال در زندگی و نگرانی از آینده، بخشی از تجربه زیسته آنان شده است. در دیگر نقاط ایران نیز مهدلی، حمایت و احساس مسئولیت ملی دیده می‌شود؛ با این حال، در افکار عمومی هنوز این پرسش تکرار می‌شود که «آیا جنگ آغاز خواهد شد؟» این پرسش نشان می‌دهد بخشی از جامعه، آغاز جنگ را به رسیدن دامنه درگیری به مناطق مرکزی کشور گره زده است؛ در حالی که آثار جنگ، پیش از جابه‌جایی خطوط درگیری، در امنیت، اقتصاد و تصمیم‌گیری‌های عمومی آشکار می‌شود. از منظر اقتصاد سیاسی، فاصله میان واقعیت و برداشت عمومی از آن، هزینه دارد. سیاست‌گذاری زمانی کارآمدتر است که جامعه تصویر نسبتاً مشترکی از شرایط کشور داشته باشد.



مراسم تر حیم و یادبود بازگشت همه به سوی اوست

روز کوچ مردی فرارسید که نامش با دانش، نجابت، مهرورزی

مهربانی و اصالت در آمیخته بود. مردی از تبار ریشه‌های استوار

و خاندان‌های نام‌آشنای کوهدشت، جانباز سرافراز جبهه و جنگ، خدمتگزار خدوم مردم، استاندار اسبق استان بوشهر

زنده‌یاد عبدالکریم گراوند

مراسم تر حیم و یادبود آن عزیز (زنانه و مردانه) روز یکشنبه ۱۴۰۵/۰۵/۱۳ از ساعت ۱۳ تا ۱۴:۳۰

در مسجد نور تهران واقع در میدان فاطمی روبه‌روی وزارت کشور برگزار می‌شود.